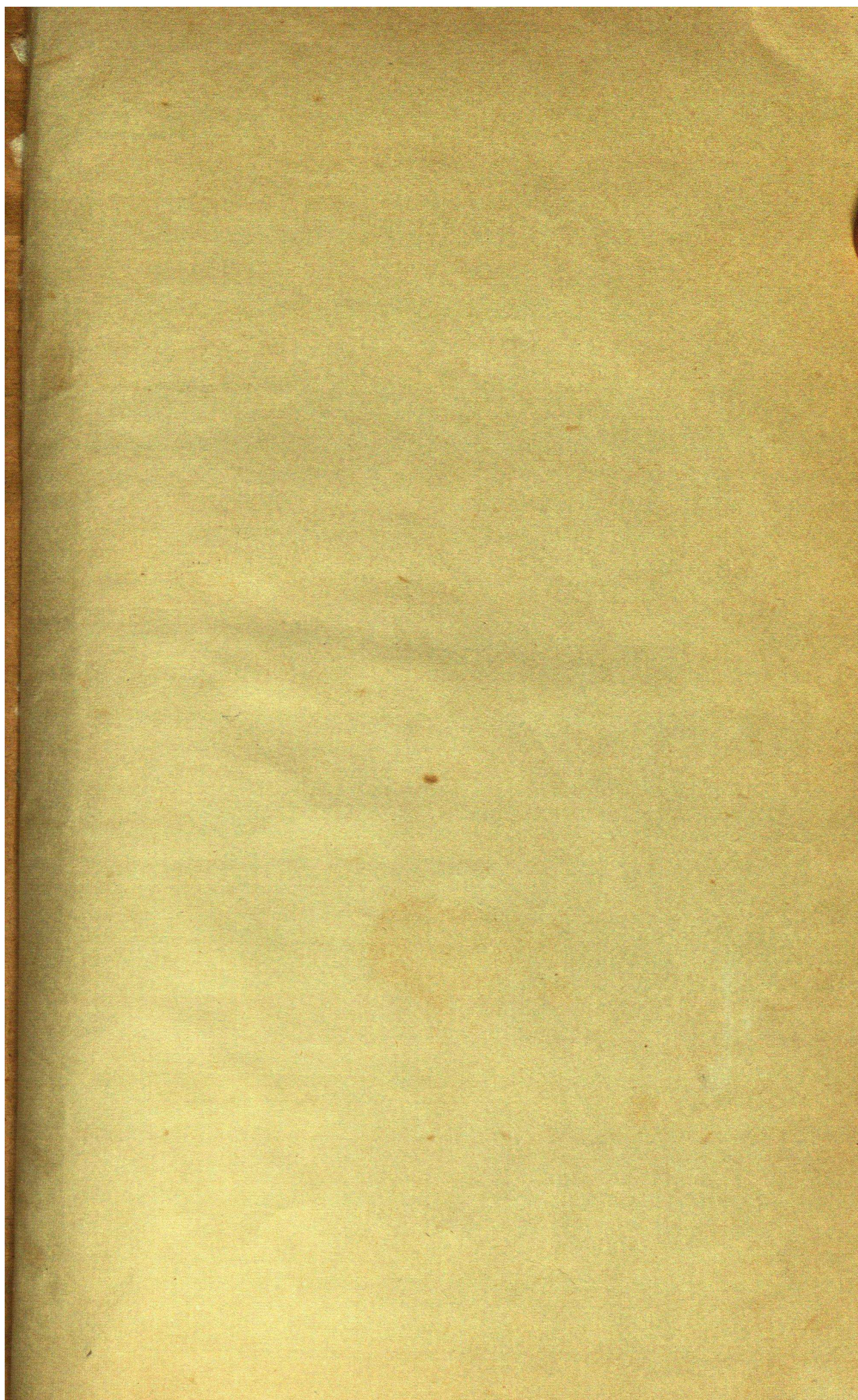
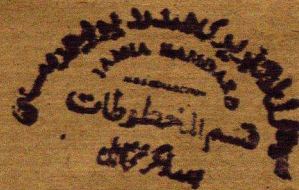




روضة الشهدا

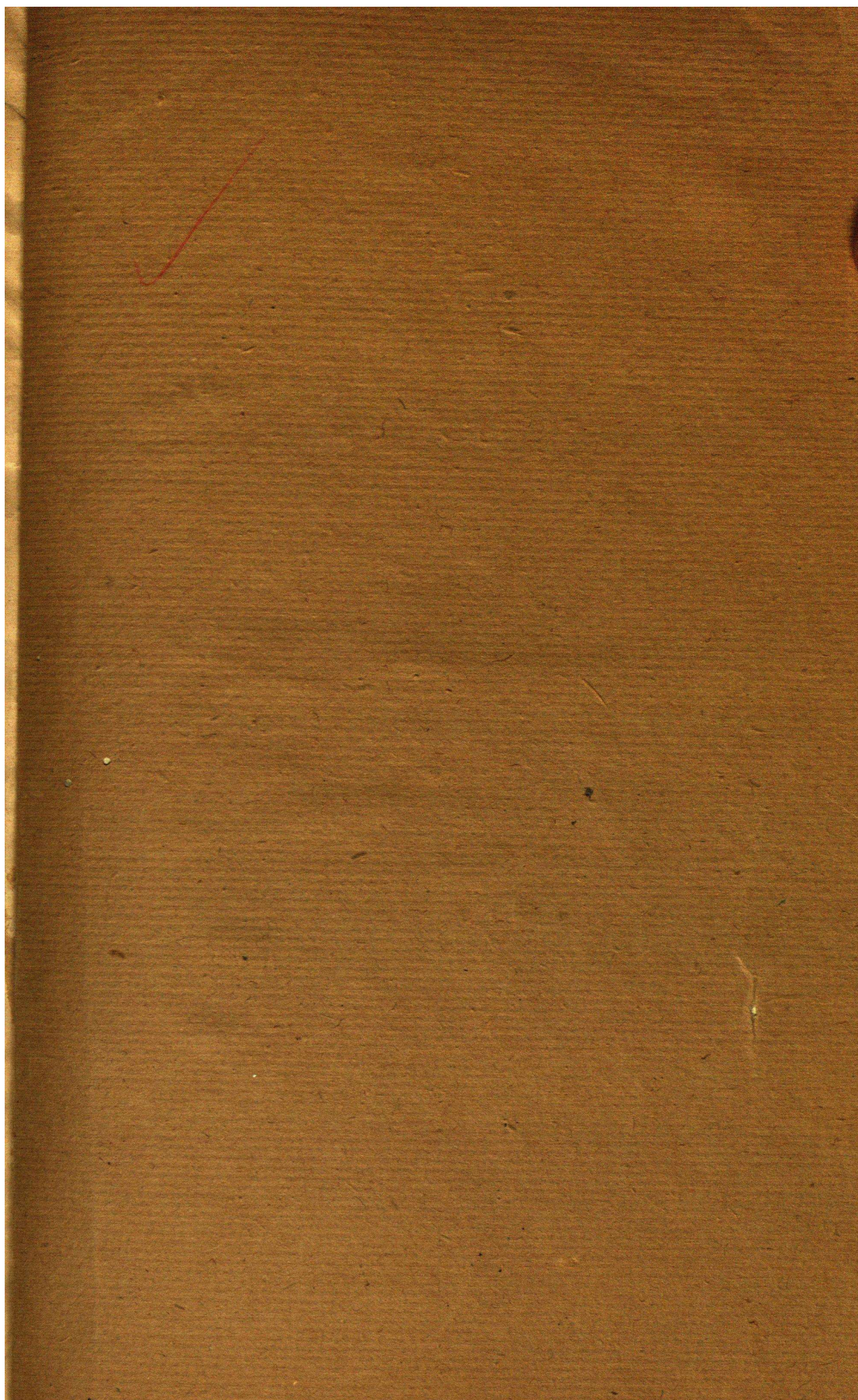
١٢

مدرسة الحسين الكاظمية



١٨
٢٤

٦



بسم الله الرحمن الرحيم

۱

ای شربت درد تو دواي دل ما آتوب بلائي تو عطا ي دل ما
از نامه حمد تو شفائي دل ما از نام حبيب تو صفای دل ما

حضرت صبور یملال و شکور بی زوال عمت عظیمات و طاب بلیات
در کتاب کریم و کلام لازم التکریم بلا رسیدگان میدان محبت و
محنت کشیدگان معرکه مشقت را بدین خطاب دینواز معزز و سرفراز
ساخته که و لَنْبَلُوْنَكُمْ و هر اینه ما میاز ما نیم شمار یعنی با شما معامله
از ایندگان میکنیم اگر چه بیچ حال شمار با پوشیده نیست اما میخواهیم
که غیاری هر کس بر محک امتحان ظاهر گردد و عالمیان بدانند
که کدام تقد اخلاص از خلاص ابتلا پاک و بعیش بیرون می آید
فرد خوش بود گر محک تجربه آید بمیان تاسیه روی شود هر که در غش باشد
از نایش الهی بچند نوع در این آیت واقع شده بشع من الخوف
بچیزی از ترس که آن خوف الهی باشد یا بیم دشمنان و الجوع
و به گرسنگی که آن قحط است و تنگی معاش یا روزه داشتن و نقص من
الاموال و نقصان بعضی مالمات باج حادثات یا اخراج زکوة

7299
213/4

وصدقات و الانفس و بنقصان بعضی مالمادر نفسها که آن بیماری باشد
 وضعف و عجز و یا احتیاج و مینوائی و الثمرات و بنقصان در میوه ها و تلف
 محصولات باغات ارضی و سماوی یا مرگ فرزندان که میوه باغ دل اند و روشنی
 چراغ بصیرت نهال نهاد مادر و پدر و کثیر الصابین الذین و بشارت ده
 صبر کنندگان را که درین بلیات طریق صبر و شکیبائی پیش آرند و رسوم جریع و فرغ
 و شکایت فرو گذارند نظم جام محبت خورند و دم نزنند جز براه و فاقدم نزنند خوش
 بسوزند در بلا چون عود که از ایشان برون نیاید و دود الذین و این صابران که استحقاق
 بشارت دارند آنانند که بحکم الهی و فرمان پادشاهی اختصاص که اذا اصابتم مصیبه
 چون برسد ایشان را افعی و بلیتی و نکبتی و زلتی قالوا گویند از روی اخلاص
 بطریق اختصاص که ان الله بدستیکه ما از ان خداوند کریم و بکمند بندگی او در بندیم
 پس هر چه از خواجه به بنده رسد و از ممالک بجز بر مملوک واقع گردد بجز تسلیم و رضا
 و انقیاد حکم قضا چاره نباشد و انا الیه و ما بسوی مجازات و مکانات او و ارجعون
 باز گردند گانیم یعنی ما بحضرت او خواهیم بود و او جزای و سزا فرما خواهد کرد و ما بخواهیم
 رسانید اگر بحکم او خورشید باشیم مستوجب ثواب ابد گردیم و اگر از آنچه مراد اوست
 سیریم مستحق عذاب محلد شویم فرد سر قبول بیار نهاد و گردن طوع که هر چه